
قرآن مجید
به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر
به زبان های زنده دنیا
العصر
آشنایی، اعراب آیات، آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ٦ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۱۰۳. سوره العصر

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

آشنایی با سوره

۱۰۳- عصر [زمان، بعد از ظهر، فشار، و ...]

در اولین آیه، خداوند به عصر قسم یاد کرده است. مفسرین، عصر را به معانی گوناگونی بیان کرده اند، از قبیل: عصر نبوت، عصر نزول قرآن، عصر قیامت، عصر دولت مهدی، نماز عصر، روزگار، و معانی دیگر... در جواب این سه قسم، سوره به بیان خلاصه ای از معارف قرآن اشاره می کند و آن عبارت است از: «ایمان ، «عمل صالح ، «حق ، «صبر». در بیانی خلاصه و مختصر، مفاهیم بلند و فراوانی بیان شده است. این سوره، مکی است و با ۳ آیه در سال اول بعثت بعد از سوره انشراح نازل شده است.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف اليه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{وَالْعَصْرِ} (و) حرف قسم / اسم مجرور یا در محل جر

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {الْإِنْسانَ} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب {لَفِي} (ل) حرف مزحلقه / حرف

جر {خُسْرٍ} اسم مجرور یا در محل جر / خبر إنَّ محذوف

{إِلاَّـ} حرف استثنا {الَّذِینَ} مستثنی، منصوب {آمَنُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {وَعَمِلُوا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الصَّالِحاتِ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {وَتَواصَوْا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {بِالْحَقِّ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَتَواصَوْا} (و) حرف

عطف / فعل ماضی، مبنی بر ضمه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {بِالصَّبْرِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور

آوانگاری قرآن

Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi.

WaalAAasri.۱

Inna al-insana lafee khusrin.۲

Illa allatheena amanoo waAAamiloo alssalihati watawasaw bialhaqqi watawasaw bialssabri.۳

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل ، (۱)

که واقعاً انسان دستخوش زیان است؛ (۲)

مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند. (۳)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» به عصر سوگند،

«۲» که انسانها همه در زیانند؛

«۳» مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به عصر [ظهور پیامبر اسلام] (۱)

[که] بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛ (۲)

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده اند. (۳)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم به عصر نورانی رسول یا دوران ظهور ولی عصر (۱)

که انسان همه در خسارت و زیانست (۲)

مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند و به حفظ دین و اطاعت حق یکدیگر را ترغیب و تشویق کردند رسول اکرم (ص) فرمود هر که سوره عصر را بسیار بخواند به مقامصبر رسد و با اهل حق به بهشت ابد محشور گردد و حضرت صادق (ع) فرمود هر که بر این سوره مداومت کند در نماز نافله روز قیامت با لبی خندان و روئی درخشان و دلی شادمان باشد تا در بهشت جاودان وارد شود (۳)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

به روزگار سوگند. (۱)

همانا انسان در خسارت است. (۲)

مگر آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده و یکدیگر را به حق و استقامت سفارش می کنند. (۳)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

سوگند به عصر - روزگار یا هر عصری، یا وقت نماز عصر یا عصر نبوت یا عصر مهدی (ع) که حق بر باطل پیروز می شود -، (۱)

که هرآینه آدمی در زیان کاری است، (۲)

مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند و یکدیگر را به راستی و درستی اندرز دادند و یکدیگر را به شکیبایی - و پایداری - سفارش کردند. (۳)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

سوگند به این زمان، (۱)

که آدمی در خسران است. (۲)

مگر آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و یکدیگر را به صبر سفارش کردند. (۳)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوگند به روزگار (۱)

که بی گمان انسان در زیانکاری است (۲)

مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و همدیگر را به حق سفارش کرده اند، و همدیگر را به شکیبایی سفارش کرده اند (۳)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سوگند به عصر (روزگار بازپسین) (۱)

که همانا انسان است در زیانکاری (۲)

مگر آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و سفارش کردند به حقّ (به درستی) و سفارش کردند به شکیب (۳)

ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

۱ By Time!

۲ Indeed man is in loss,

۳ except those who have faith and do righteous deeds, and enjoin one another to [follow] the truth, and enjoin one another to patience.

ترجمه انگلیسی شاکر

(۱ I swear by the time,)

(۲ Most surely man is in loss,)

(۳ Except those who believe and do good, and enjoin on each other truth, and enjoin on each other patience.)

ترجمه انگلیسی ایروینگ

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!

(۱) By eventide, everyman

(۲) [at a loss] is indeed

(۳) except for those who believe, perform honorable deeds, encourage Truth, and recommend patience.

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(۱ By the afternoon!)

(۲ Surely Man is in the way of loss,)

(۳ save those who believe, and do righteous deeds, and counsel each other unto the truth, and counsel each to be steadfast.)

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(By the declining day, (۱

(Lo! man is in a state of loss, (۲

Save those who believe and do good works, and exhort one another to truth and (exhort one another to endurance. (۳

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(By (the Token of) time (through the Ages). (۱

(Verily Man is in loss (۲

Except such as have Faith and do righteous deeds and (join together) in the mutual (teaching of Truth and of Patience and Constancy. (۳

ترجمه فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

!Par le Temps .۱

,L'homme est certes, en perdition .۲

sauf ceux qui croient et accomplissent les bonnes oeuvres, s'enjoignent . ۳ .mutuellement la vérité et s'enjoignent mutuellement l'endurance

ترجمه اسپانیایی

!Por la tardei .۱

,En verdad, el hombre camina hacia su perdición .۲

Excepto quienes crean, obren bien, se recomienden mutuamente la verdad y se .۳ .recomienden mutuamente la paciencia

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnنdigen, des Barmherzigen.

١. Bei der Zeit,

٢. Wahrlich, der Mensch ist in einem Zustande des Verlusts,

٣. Auكer denen, die glauben und gute Werke tun und einander zur Wahrheit mahnen und einander zum Ausharren mahnen.

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

١. Per il Tempo!

٢. Invero l'uomo è in perdita,

٣. eccetto coloro che credono e compiono il bene, vicendevolmente si raccomandano la verità e vicendevolmente si raccomandano la pazienza.

ترجمه روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!

١. Клянусь предвечерним временем,

٢. поистине, человек ведь в убытке,

٣. кроме тех, которые уверовали, и творили добрые дела, и заповедали между собой истину, и заповедали между собой терпение!

ترجمه ترکی استانبولی

Rahman ve rahîm Allah adiyle.

١- Andolsun zamana.

۲- قüphe yok ki insan, elbette zararda, ziyanda.

۳- Ancak inananlar ve iyi i lerde bulunanlar ve birbirlerine gerçeí gzetmeyi ve sabretmeyi tavsiye edenler ba ka.

ترجمه آذربایجانی

Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə!

۱. And olsun axşam çağına (ikindi vaxtına, əsr namazına, zamana və ya Peyğəmbərin əsrinə) ki,

۲. İnsan (ömrünü bihudə işlərə sərf etməklə, dünyanı axirətdən üstün tutmaqla) ziyan içindədir?

۳. Yalnız iman gətirib yaxşı əməllər edən, bir-birinə haqqı tövsiyə edən və səbri tövsiyə edən kimsələrdən başqa! (Belələri Cənnətə nail olub əbədi səadətə qovuşanlardır!)

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بڑا مہربان نہایت رحم والا □□

۱. عصر کی قسم

۲. کہ انسان نقصان میں □□

۳. مگر وہ لوگ جو ایمان لائے اور نیک عمل کرتے رہے اور آپس میں حق (بات) کی تلقین اور صبر کی تاکید کرتے رہے □□

ترجمه پشتو

۱. شروع کوم د الله په نامه چې □□ر زيات مهربانه او پوره رحم لرونکې دې. قسم دې په عصر

۲. چې □ول انسانان په زيان کې □□ دي

۳. خو هغه کسان (زيانکاران نه دي) چې ايمان يې راوړی دی، □ه عملونه يې کړي دي او يو بل ته يې د حقو وصيت کړی □□ دی □ او يو بل ته يې د صبروصيت کړی □□ دی.

ترجمه کردی

.Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn Bi gav û danan .١

.Sond dixum!) ku meriv di zîyanêdanin) .٢

Ji pêştirêwan (merivne) ku bawerkirine ûkarê aştî kirine û şîreta (parisandina) mafê .٣
.û şîreta bi hewdana (١i ser cefadanê) li hev dikin

ترجمه اندونزی

Sekali-kali tidak! Sesungguhnya dia benar- benar akan dilemparkan ke dalam (Huthamah.(۴

(Dan tahukah kamu apa Huthamah itu.(۵) (١

(Yaitu) api yang disediakan. Allah yang dinyalakan,(۶) (٢)

(yang) membakar. sampai ke hati.(٧) (٣)

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

(Demi Masa! (١

(Sesungguhnya manusia itu dalam kerugian - (٢

Kecuali orang-orang yang beriman dan beramal soleh, dan mereka pula berpesan-
(pesan dengan kebenaran serta berpesan-pesan dengan sabar. (٣

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

.Naapa kwa alasiri .١

.Kwa hakika mwanadamu yumo hasarani .٢

Isipokuwa wale walioamini na wakafanya vitendo vizuri, na wakausiana . ٣
.(kushikamana na) haki, na wakausiana kusubiri

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۶۰۸

(۱۰۳) سوره عصر مکی است و سه آیه دارد (۳)

[سوره العصر (۱۰۳): آیات ۱ تا ۳] ترجمه آیات به نام خدای رحمان و رحیم.

سوگند به عصر (۱).

که انسانها همه در خسران و زیانند (۲).

مگر افراد و اقلیتی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و به صبر توصیه نموده اند (۳).

بیان آیات این سوره تمامی معارف قرآنی و مقاصد مختلف آن را در کوتاه ترین بیان خلاصه کرده، و این سوره از نظر مضمون، هم می تواند مکی باشد و هم مدنی، چیزی که هست به مکی بودن شباهت بیشتری دارد.

[اقوال مختلف در باره مراد از" عصر" که بدان قسم یاد فرموده است

" وَ الْعَصْرِ" در این کلمه به عصر سوگند یاد شده، و از نظر مضمونی که دو آیه بعد دارد مناسب تر آن است که منظور از عصر، عصر ظهور رسول خدا (ص) باشد، که عصر طلوع اسلام بر افق مجتمع بشری، و ظهور و غلبه حق بر باطل است، چون مضمون دو آیه بعد این

صفحه ی ۶۰۹

است که خسران عالم انسان را فراگیر است و تنها کسانی را فرا نمی گیرد که از حق پیروی نموده، و در برابر آن صبر کنند، و این اقلیت عبارتند از کسانی که به خدا و روز جزا ایمان آورده و عمل صالح کنند.

ولی بعضی «۱» گفته اند: مراد از عصر، وقت عصر، یعنی آخر روز

است، چون این وقت دلالت دارد بر تدبیر ربوبی که روز را می برد و شب را می آورد، و قدرت و سلطنت را از سلطان روز یعنی خورشید سلب می کند.

بعضی «۲» دیگر گفته اند: مراد نماز عصر است، که نماز وسطی است که از همه نمازهای یومیه فضیلت بیشتری دارد.

بعضی «۳» دیگر گفته اند: مراد شب و روز است، که اصطلاحا به آنها عصران گفته می شود.

بعضی «۴» دیگر گفته اند: منظور از عصر دهر است، که در آن عجائبی وجود دارد، که بر قدرت ربوبی دلالت دارد. و بعضی دیگر وجوهی دیگر ذکر کرده اند.

و در بعضی «۵» از روایات آمده که منظور، عصر ظهور مهدی (ع) است که در آن عصر حق بر باطل به طور کامل غلبه کند.

" إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِي خُسْرٍ" مراد از کلمه" انسان" جنس انسان است، و کلمه" خسر" و" خسران" و" خسار"" خساره" همه به معنای نقص در سرمایه است.

راغب می گوید: این کلمه هم در مورد انسان استعمال می شود، و گفته می شود:

فلانی خسران کرد، و هم در مورد عمل انسان بکار می رود و می گویند: تجارت فلانی خسران کرد «۶».

و اگر در آیه مورد بحث کلمه" خسر" بدون الف و لام آمده به منظور بزرگداشت آن بوده، و خواسته است بفهماند انسان در خسرانی عظیم است، احتمال هم دارد به منظور تنویع باشد، و بفهماند آدمی در نوعی مخصوص از خسران قرار دارد، غیر خسران مالی و آبرویی، بلکه خسران در ذات که خدای تعالی در باره اش فرموده:

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۶.

(۲ و ۳ و ۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۶.

(۵) تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۶۶.

(۶) مفردات راغب، ماده" خسر".

" الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيامَهِ أَلا ذلِکَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ " «۱»

[شرحی در مورد مستثنی بودن مؤمنان صالح العمل از زیانمندی جنس انسان

" إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ" این استثنا استثنای از جنس انسان است که محکوم به خسران است، و استثنا شدگان افرادی هستند که متصف به ایمان و اعمال صالح باشند چنین افرادی ایمن از خسرانند.

و این بدان جهت است که کتاب خدا بیان می کند که انسان موجودی همیشه زنده است، زندگیش با مردن خاتمه نمی یابد، و مردن او در حقیقت انتقال از خانه ای به خانه ای دیگر است، که بیان این معنا در تفسیر آیه شریفه" عَلى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثالَكُمْ وَ نُنْشِئَكُمْ فِي ما لا تَعْلَمُونَ " «۲» گذشت، و نیز کتاب خدا بیان می کند که قسمتی از این زندگی همیشگی انسان که همان حیات دنیا باشد حیاتی است امتحانی، و سرنوشت ساز که در آن حیات سرنوشت قسمت دیگر یعنی حیات آخرت مشخص می گردد، آنها که در آن حیات به سعادت می رسند، و یا بدبخت می شوند، سعادت و شقاوتشان را در دنیا تهیه کرده اند، هم چنان که خدای تعالی فرموده:" وَ مَا الْحَياهُ الدُّنْيا فِي الْآخِرَهِ إِلَّا مَتاعٌ " «۳»، و نیز فرموده:" كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَهُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَهً " «۴».

و نیز بیان می کند که مقدمیت این زندگی برای آن زندگی به وسیله مظاهر این زندگی و آثار آن یعنی اعتقادات و اعمال است، اعتقاد حق و عمل صالح ملاک سعادت اخروی و کفر و فسق ملاک شقاوت در آن است، می فرماید:" وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسانِ إِلَّا ما سَعى وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرى ثُمَّ

يُجْزاهُ الْجَزاءَ الْأَوْفى «۵» و نیز می فرماید:" مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ" «۶»، و باز می فرماید:" مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَساءَ فَعَلَيْها"

---

(۱) کسانی که در قیامت در ذات خود و اهل بیتشان خاسر شدند، و آگاه باش که این خسران، خسرانی است آشکار. سوره زمر، آیه ۱۵.

(۲) به این منظور که گروهی رای بجای گروه دیگری بیاوریم و شما رای در جهانی که نمی دانید آفرینش تازه بخشیم. سوره واقعه، آیه ۶۱.

(۳) زندگی دنیا در آخرت جز وسیله نیست. سوره رعد، آیه ۲۶.

(۴) هر جانداری مرگ رای خواهد چشید، و ما شما رای به وسیله فتنه خیر و شر می آزماییم. سوره انبیاء، آیه ۳۵.

(۵) و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست. و اینکه سعیش به زودی دیده می شود سپس به او جزای کافی داده خواهد شد. سوره نجم، آیه ۳۹- ۴۰.

(۶) کسانی که کافر شوند کفرشان علیه خودشان است و کسانی که عمل صالح می کنند به نفع خود ذخیره می کنند. سوره روم، آیه ۴۴.

«۱»، و در آیاتی بسیار زیاد سرنوشت آخرت را چه خوش و چه بدش را جزا و اجر خوانده.

و نیز با همه این بیانات که از نظرتان گذشت بیان می کند که سرمایه آدمی زندگی او است، با زندگی است که می تواند وسیله عیش خود در زندگی آخرت را کسب کند، اگر در عقیده و عمل حق را پیروی کند تجارتش سودبخش بوده، و در کسبش برکت داشته است، و در آینده اش از شر ایمن است، و اگر باطل را پیروی کند، و از ایمان به خدا و عمل

صالح اعراض نماید، تجارتش ضرر کرده (نه تنها از سرمایه عمر چیزی زاید بر خود سرمایه به دست نیاورده، بلکه از خود سرمایه خورده، و سرمایه را وسیله بدبختی خود کرده است) و در آخرتش از خیر محروم شده، لذا در سوره مورد بحث می فرماید:" إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ" و مراد از ایمان، ایمان به خدا، و مراد از ایمان به خدا ایمان به همه رسولان او، و مراد از ایمان به رسولان او اطاعت و پیروی ایشان است، و نیز ایمان به روز جزا است هم چنان که قرآن در جای دیگر تصریح کرده به اینکه کسانی که به بعضی از رسولان خدا ایمان دارند، و به بعضی ندارند، مؤمن به خدا نیستند «۲».

[جمله" وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ" بر عمل به همه اعمال صالح دلالت دارد و از آن استفاده می شود که مؤمنان گنهکار نیز در خسرانند]

و ظاهر جمله" وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ" این است که به همه اعمال صالح متصف باشد.

پس این جمله استثنائیه شامل فاسقان که بعضی از صالحات را انجام می دهند، و نسبت به بعضی دیگر فسق می ورزند نمی شود، و لازمه این، آن است که منظور از خسران اعم از خسران به تمام معنا باشد یعنی شامل خسران از بعضی جهات هم بشود، و بنا بر این دو طایفه خاسرند، یکی آنهایی که از جمیع جهات خاسرند نظیر کفار معاند حق و مخلد در عذاب، دوم آنهایی که در بعضی جهات خاسرند، مانند مؤمنینی که مرتکب فسق می شوند و مخلد در آتش نیستند چند صباحی عذاب می بینند، بعد عذابشان پایان می پذیرد و مشمول شفاعت و نظیر آن

می شوند.

" وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ " کلمه " تواصی " به معنای سفارش کردن این به آن و آن به این است. و" تواصی " به حق " این است که: یکدیگر را به حق سفارش کنند، سفارش کنند به اینکه از حق پیروی نموده و در راه حق استقامت و مداومت کنند، پس دین حق چیزی به جز پیروی اعتقادی و عملی ______________________

(۱) کسی که عمل صالح کند، به نفع خود کرده، و آن کس که بدی کند به ضرر خودش کرده.

سوره حم سجده، آیه ۶۶.

(۲) سوره نساء، آیه ۱۵۰ و ۱۵۱.

از حق، و تواصی بر حق نیست، و تواصی بر حق عنوانی است وسیع تر از عنوان امر به معروف و نهی از منکر، چون امر به معروف و نهی از منکر شامل اعتقادیات و مطلق ترغیب و تشویق بر عمل صالح نمی شود، ولی تواصی بر حق، هم شامل امر به معروف می شود و هم شامل عناوین مذکور.

[خصوصیت و اهمیت تواصی به حق و تواصی به صبر که بعد از عنوان کلی " وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ " اختصاص به ذکر یافتند]

در اینجا سؤالی به نظر می رسد، و آن این است که: تواصی به حق، خود یکی از اعمال صالح است، و با اینکه قبلاـ عنوان کلی " وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ " را ذکر کرده بود، چه نکته ای باعث شد که خصوص تواصی به حق را نام ببرد؟

جوابش این است که: این از قبیل ذکر خاص بعد از عام است، که در مواردی بکار می رود که گوینده نسبت به خاص عنایت بیشتری داشته باشد، و شاهد بر اینکه خدای تعالی از میان همه اعمال صالح به تواصی به حق

عنایت بیشتر داشته، و بدین منظور خصوص آن را بعد از عموم اعمال صالح ذکر نموده این است که همین تواصی را در مورد صبر تکرار کرد، و با اینکه می توانست بفرماید:" و تواصوا بالحق و الصبر"، فرمود:" وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ ".

و بنا بر همه آنچه گفته شد، ذکر تواصی به حق و به صبر، بعد از ذکر اتصافشان به ایمان و عمل صالح برای این بوده که اشاره کند به حیات دلهای مؤمنین، و پذیرا گشتن سینه هاشان برای تسلیم خدا شدن، پس مؤمنین اهتمامی خاص و اعتنایی تام به ظهور سلطنت حق و گسترده شدن آن بر همه مردم دارند، و می خواهند همه جا حق پیروی شود، و پیروی آن دائمی گردد، و خدای تعالی در باره آنان فرموده:" أَ فَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ فَهُوَ عَلى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولئِكَ فِي ضَلالٍ مُبِينٍ " «۱».

در آیه مورد بحث صبر را مطلق آورده، و بیان نکرده که صبر در چه مواردی محبوب است، و نتیجه این اطلاق آن است که مراد از صبر اعم از صبر بر اطاعت خدا و صبر از معصیت و صبر در برخورد با مصائبی است که به قضا و قدر خدا به آدمی می رسد.

بحث روایتی [(چند روایت در ذیل آیات سوره عصر)]

در تفسیر قمی به سند خود از عبد الرحمن بن کثیر از امام صادق (ع) نقل

---

(۱) آیا کسی که خدا سینه اش را برای اسلام گشاده کرده، و در نتیجه دارای نوری از ناحیه پروردگارش شده، مانند دیگران است؟ پس وای بر سنگدلانی که یاد خدا در دلهاشان راه ندارد، آنان

کرده که در تفسیر آیه" إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا ..." فرمود: در این جمله خدای تعالی اهل صفوت از خلق خود را استثناء کرده «۱».

مؤلف: و در ذیل روایت، ایمان را بر ایمان به ولایت علی (ع) و تواصی به حق را بر توصیه ذریات و نسلهای خود به ولایت علی تطبیق نموده است «۲».

و در الدر المنثور است که ابن مردویه از ابن عباس روایت کرده که در تفسیر آیه" وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ" گفته: منظور از این انسان، ابو جهل بن هشام است. و در تفسیر آیه" إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ" گفته: منظور علی و سلمان است «۳».

(۱ و ۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۱.

(۳) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۹۲.

تفسیر نمونه

سوره والعصر

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۳ آیه است.

محتوی و فضیلت سوره و العصر

معروف این است که این سوره در مکه نازل شده ، هر چند بعضی احتمال مدنی بودن آن را نیز داده اند، مقاطع کوتاه آیات سوره ، و لحن آن ، نیز شاهد مکی بودن آن است .

به هر حال جامعیت این سوره به حدی است که به گفته بعضی از مفسران تمام علوم و مقاصد قرآن در این سوره خلاصه شده است ، و به عبارت دیگر: این سوره در عین کوتاه بودن برنامه جامع و کاملی برای سعادت انسان تنظیم و ارائه نموده است .

نخست از سوگند پر معنی به عصر شروع می شود که تفسیر آن را به زودی خواهید دید، سپس سخن از زیانکار بودن همه انسانها که در

طبیعت زندگی تدریجی نهفته است به میان می آورد، بعد فقط یک گروه را از این اصل کلی جدا می کند، آنها که دارای برنامه چهار ماده ای زیر هستند:

ایمان ، عمل صالح ، سفارش یکدیگر به حق ، و سفارش یکدیگر به صبر و این چهار اصل ، در واقع برنامه های اعتقادی و عملی و فردی و اجتماعی اسلام را در برمی گیرد.

درباره فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم : من قراء ((و العصر)) فی نوافله بعثه الله یوم القیامه مشرقا وجهه ضاحکا سنه قریره عینه حتی یدخل الجنه : هر کس سوره و العصر را در نمازهای نافله بخواند خداوند او را در قیامت برمی انگیزد در حالی که صورتش نورانی ، چهره اش خندان و چشمش (به نعمتهای الهی) روشن است ، تا داخل بهشت

شود! <۱>

و معلوم است که این همه افتخار و سرور و شادمانی از آن کسی است که این اصول چهارگانه را در زندگی خود پیاده کند، نه فقط به خواندن قناعت نماید.

تفسیر :

تنها راه نجات

در ابتدای این سوره با قسم تازه ای روبرو می شویم ، می فرماید: به عصر سوگند! (و العصر).

واژه ((عصر)) در اصل به معنی فشردن است ، و سپس به وقت عصر اطلاق شده ، به خاطر اینکه برنامه ها و کارهای روزانه در آن پیچیده ، و فشرده می شود. سپس این واژه به معنی مطلق زمان و دوران تاریخ بشر و یا بخشی از زمان ، مانند عصر ظهور اسلام و قیام پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و

سلّم)، و امثال آن استعمال شده است ، و لذا در تفسیر این سوگند مفسران احتمالات زیادی گفته اند:

۱ – بعضی آن را اشاره به همان وقت عصر می دانند، به قرینه اینکه در بعضی دیگر از آیات قرآن به آغاز روز سوگند یاد شده است مانند ((والضحی)) (سوره ضحی آیه ۱) – یا – و الصبح اذا اسفر (مدثر – ۳۴).

این سوگند به خاطر اهمیتی است که این موقع از روز دارد چرا که زمان زمان دگرگونی نظام زندگی و حیات انسانها است ، کارهای روزانه پایان می گیرد، پرندگان و حیوانات به لانه های خود بازمی گردند، خورشید سر در افق مشرق فرو می کشد، و هوا تدریجا رو به تاریکی می رود.

این دگرگونی انسان را به قدرت لا یزال الهی که بر این نظام حاکم است متوجه می سازد، و در حقیقت نشانهای از نشانه های توحید و آیتی از آیات پروردگار است که شایسته سوگند می باشد.

۲ – بعضی دیگر آن را اشاره به سراسر زمان و تاریخ بشریت دانسته اند که مملو از درسهای عبرت ، و حوادث تکان دهنده و بیدارگر است ، و روی همین جهت آنچنان عظمتی دارد که شایسته سوگند الهی است .

۳ – بعضی روی قسمت خاصی از این زمان مانند عصر قیام پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) یا عصر قیام مهدی (علیه السلام) که دارای ویژگی و عظمت خاصی در تاریخ بشر بوده و هست انگشت گذارده ، و سوگند را ناظر به آن می دانند. <۲>

۴ – بعضی نیز به همان ریشه لغوی این

واژه برگشته ، و سوگند را ناظر به انواع فشارها و مشکلاتی میدانند که در طول زندگی انسانها رخ می دهد، آنها را از خواب غفلت بیدار می کند، به یاد خداوند بزرگ میان دارد، و روح استقامت را پرورش می دهد.

۵ - بعضی دیگر آن را اشاره به انسانهای کامل می دانند که عصاره عالم هستی و جهان آفرینشند.

۶ - بالاخره بعضی آن را ناظر به ((نماز عصر)) شمرده اند، به خاطر اهمیت ویژهای که در میان نمازها دارد، زیرا آنها ((صلاه وسطی)) را که در قرآن روی آن تاءکید خاصی به عمل آورده نماز عصر می دانند.

با اینکه تفسیرهای فوق با هم تضادی ندارد و ممکن است همه در معنی آیه جمع باشد و سوگند به تمام این امور مهم یاد شود، ولی در میان آنها از همه مناسب تر همان عصر به معنی زمان و تاریخ بشر است ، چرا که بارها گفته ایم سوگندهای قرآن همواره متناسب با مطلبی است که سوگند به خاطر آن یاد شده ، و مسلم است که خسران انسانها در زندگی نتیجه گذشتن زمان عمر آنها است ، و یا عصر قیام پیغمبر خاتم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به خاطر اینکه برنامه چهار ماده ای ذیل سوره در چنین عصری نازل گردیده .

از آنچه گفته شد عظمت آیات قرآن و گستردگی مفاهیم آن به خوبی

روشن می شود که یک کلمه از آن تا چه حد پر معنی و شایسته تفسیرهای عمیق و گوناگونی است .

در آیه بعد اشاره به چیزی می کند که این سوگند مهم برای آن یاد شده است

می فرماید: به طور مسلم همه انسانها در زیانند (ان الانسان لفی خسر). سرمایه های وجودی خود را چه بخواهند یا نخواهند از دست می دهند، ساعات و ایام و ماه ها و سالهای عمر به سرعت می گذرد، نیروهای معنوی و مادی تحلیل می رود، و توان و قدرت کاسته می شود.

آری انسان ، همانند کسی است که سرمایه عظیمی در اختیار داشته باشد، و بی آنکه بخواهد هر روز بخشی از آن سرمایه ها را از او بگیرند، این طبیعت زندگی دنیا است ، طبیعت زیان کردن مداوم !

یک قلب استعداد معینی برای ضربان دارد، وقتی آن استعداد و توان پایان گرفت قلب خود به خود می ایستد، بی آنکه عیب و علت و بیماری در کار باشد، و این در صورتی است که بر اثر بیماری قبلا از کار نیفتد همچنین سایر دستگاه های وجودی انسان و سرمایه های استعدادهای مختلف او.

((خسر)) (بر وزن عسر) و ((خسران)) چنانکه راغب در مفردات می گوید: به معنی کم شدن سرمایه است ، گاه به انسان نسبت داده می شود و می گویند فلانکس زیان کرد، و گاه به خود عمل نسبت داده می شود و می گویند: تجارتش زیان کرد، این واژه غالبا در سرمایه های برونی مانند مال و مقام به کار می رود، و گاه در سرمایه های درونی مانند صحت و سلامت و عقل و ایمان و ثواب و این همان است که خداوند متعال به عنوان ((خسران مبین)) (زیان آشکار) از آن یاد فرموده آنجا که می گوید: ان الخاسرین الذین خسروا انفسهم و

اهلیهم یوم القیامه الا ذلک

هو الخسران المبین زیانکاران واقعی کسانی هستند سرمایه وجود خود و خانواده خویش را در قیامت از دست می دهند، بدانید خسران مبین همین است (زمر - ۱۵). <۳>

((فخر رازی)) درتفسیر این آیه سخنی نقل می کند که حاصلش چنین است : یکی از بزرگان پیشین می گوید: معنی این سوره را من از مرد یخ فروشی آموختم ، فریاد می زد و می گفت : ارحموا من یذوب راءس ماله ارحموا من یذوب راءس ماله !: رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می شود، رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می شود! پیش خود گفتم این است معنی ان الانسان لفی خسر: عصر و زمان بر او می گذرد و عمرش پایان می گیرد، و ثوابی کسب نمی کند و در این حال زیانکار است . <۴>

به هر حال از نظر جهانبینی اسلام دنیا یک بازار تجارت است همانگونه که در حدیثی از امام هادی (علیه السلام) علی بن محمد النقی می خوانیم : الدنیا سوق ربح فیها قوم و خسر آخرون : دنیا بازاری است که جمعی در آن سود می برند و جمع دیگری زیان . <۵>

آیه مورد بحث می گوید همه در این بازار بزرگ زیان می کنند مگر یک گروهی که برنامه آنها در آیه بعد بیان شده است .

آری تنها یک راه برای جلوگیری از این خسران عظیم و زیان قهری و اجباری وجود دارد، فقط یک راه که در آخرین آیه این سوره به آن اشاره شده است ،

می فرماید مگر کسانی که ایمان آوردند

و اعمال صالح انجام دادند، و یکدیگر را به طرفداری و انجام حق سفارش کردند، و یکدیگر را به صبر و استقامت توصیه نمودند (الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر).

و به تعبیر دیگر چیزی که می تواند جلو این زیان بزرگ را بگیرد و آن را به منفعت و سودی عظیم مبدل کند آن است که در برابر از دست دادن این سرمایه ، سرمایه ای گرانبهاتر و ارزشمندتر به دست آورد که نه تنها جای خالی آن سرمایه پر شود، بلکه ده ها و صدها و هزاران بار از آن بیشتر و بهتر باشد. هر نفسی که انسان می زند یک گام به مرگ نزدیکتر می شود چنانکه امیر مؤ منان علی (علیه السلام) در آن عبارت نورانیش فرمود: نفس المرء خطاه الی اءجله نفسهای انسان گامهای او به سوی مرگ است . <۶>

بنابراین ، هر ضربانی که قلب انسان می زند او را یک قدم به پایان عمر نزدیکتر می سازد، و به این ترتیب باید در برابر این زیان قطعی کاری کرد که جای خالی پر شود.

گروهی سرمایه های نفیس عمر و زندگی را از دست می دهند و در برابر آن مالی مختصر یا بسیار، خانه ای محقر یا کاخی زیبا، فراهم می سازند.

گروهی تمام این سرمایه را برای رسیدن به مقامی از دست می دهند.

و گروه هائی آن را در مسیر عیش و نوش و لذات زودگذر مادی .

مسلما هیچیک از اینها نمی تواند بهای آن سرمایه عظیم باشد، بهای آن فقط و فقط رضای خدا و مقام قرب او است .

یا

همان گونه که امیر مؤ منان علی (علیه السلام) فرموده انه لیس لانفسکم ثمن الا الجنه فلا تبیعوها الا بها: برای وجود شما بها و قیمتی جز بهشت نیست ، مبادا

آن را به کمتر از آن بفروشید)). <۷>

و یا همانگونه که در دعای ماه رجب از امام صادق (علیه السلام) آمده است : خاب الوافدون علی غیرك و خسر المتعرضون الا لك : آنها که بر غیر تو وارد شوند ماءیوس خواهند شد، و آنها که به سراغ غیر تو آیند زیانکارند! و بی جهت نیست که یکی از نامهای قیامت ((یوم التغابن)) است ، همانگونه که در آیه ۹ سوره تغابن آمده است ذلک یوم التغابن : آن روز معلوم می شود چه کسانی مغبون شده و زیان کرده اند.

حسن مطلب ، و لطف مساءله اینجا است که از یکسو خریدار سرمایه های وجود انسان خداوند بزرگ است ((ان الله اشتری من المؤ منین ...)) (توبه - ۱۱۱). از سوی دیگر سرمایه های کم را نیز خریداری می کند: ((فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره)) (زلزال - ۷).

و از سوی دیگر بهای عظیم در برابر آن می پردازد، و گاه ده برابر و گاه تا هفتصد برابر و گاه بیشتر ((فی کل سنبله ماه حبه و الله یضاعف لمن یشاء)) (بقره ۲۶۱) و همانگونه که در دعا وارد شده است یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر: ای خدائی که حسنات کم را می پذیری و گناهان بسیار را می بخشی .

و از سوی چهارم با اینکه تمام سرمایه ها را خودش در اختیار گذاشته ، آنقدر

بزرگوار است که برمی گردد و همانها را با گرانترین قیمت خریداری می کند!

برنامه چهار مادهای خوشبختی

قابل توجه اینکه قرآن برای نجات از آن خسران عظیم برنامه جامعی تنظیم کرده که در آن بر چهار اصل تکیه شده است :

اصل اول در این برنامه مساءله ((ایمان)) است که زیربنای همه فعالیتهای انسان را تشکیل می دهد، چرا که تلاشهای عملی انسان از مبانی فکری و اعتقادی او سرچشمه می گیرد، نه همچون حیوانات که حرکاتشان به خاطر انگیزه های غریزی است .

و به تعبیر دیگر اعمال انسان تبلوری است از عقائد و افکار او، و به همین دلیل تمام انبیای الهی قبل از هر چیز به اصلاح مبانی عقیدتی امتها می پرداختند، مخصوصا با شرک که سرچشمه انواع رذائل و بدبختیها و پراکندگیها است به مبارزه می پرداختند.

جالب اینکه ایمان در اینجا به طور مطلق ذکر شده است ، تا شامل ایمان به همه مقدسات گردد، یعنی از ایمان به خدا و صفات او گرفته ، تا ایمان به قیامت و حساب و جزا و کتب آسمانی و انبیای الهی و اوصیای آنها. در اصل دوم به میوه درخت بارور و پر ثمره ایمان پرداخته از ((اعمال صالح)) سخن می گوید.

چه تعبیر وسیع و پر محتوائی ، آری صالحات همان اعمال شایسته نه فقط عبادات ، نه تنها انفاق فی سبیل الله ، نه فقط جهاد در راه خدا، نه تنها کسب علم و دانش ، بلکه هر کار شایسته ای که وسیله تکامل نفوس و پرورش اخلاق و قرب الی الله و پیشرفت جامعه انسانی در تمام زمینه ها شود.

این تعبیر حتی

کارهای کوچکی همچون برداشتن یک سنگ مزاحم را از سر

راه مردم شامل می شود، تا نجات میلیونها میلیون انسان از گمراهی و ضلالت و نشر آئین حق و عدالت در تمام جهان .

و اگر در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) اعمال صالح به ((مواسات و مساوات با برادران دینی)) تفسیر شده از قبیل بیان مصداق روشن است .

ممکن است گاهی اوقات اعمال صالح از بعضی از انسانهای غیر مؤ من سر زند ولی مسلما ریشه دار و پایدار و گسترده نیست ، چرا که از انگیزه های عمیق الهی سرچشمه نمی گیرد، و از جامعیت برخوردار نیست .

قرآن در اینجا ((صالحات)) را مخصوصا به صورت جمع آورده ، جمعی که با الف و لام همراه است ، و معنی عموم دارد. و بیانگر این حقیقت است که راه جلوگیری از آن خسران طبیعی و قهری بعد از ایمان ، انجام همه اعمال صالح است ، نه تنها قناعت به یک یا چند عمل صالح ، و به راستی اگر ایمان عمیقا در جان انسان جای گیرد، چنین آثاری را از خود ظاهر می سازد.

ایمان تنها یک اندیشه و اعتقاد در زوایای روح و فاقد هر گونه تاءثیر نیست ، ایمان تمام وجود انسان را به رنگ خود درمی آورد.

ایمان همانند چراغ پر نوری است که درون اطاقی روشن شود نه تنها فضای اطاق را نورانی می کند، بلکه شعاع آن از تمام دریچه های اطاق به بیرون می افتد، و هر کس از خارج بگذرد به خوبی می فهمد آنجا چراغ پر نوری روشن است .

همین گونه وقتی چراغ ایمان در

سرای در قلب انسان روشن شود نور آن از زبان و چشم و گوش و دست و پای انسان منعکس می شود، حرکات هر کدام از آنها نشان می دهد نوری در قلب است که اشعه اش بیرون تافته .

به همین دلیل در آیات قرآن غالبا عمل صالح همراه ایمان به عنوان

((لازم و ملزوم)) یکدیگر آمده است ، در آیه ۹۷ سوره نحل می خوانیم : من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مؤ من فلنحیینه حیوه طیبه : هر فردی از مرد یا زن عمل صالحی انجام دهد در حالی که ایمان دارد ما او را با حیات پاکیزه ای زنده می کنیم و در آیه ۱۰۰ سوره مؤ منون می خوانیم : تاءسف بدکاران بعد از جدائی از این عالم در این است که چرا عمل صالحی انجام نداده اند، و لذا با اصرار زیاد تقاضای بازگشت برای انجام عمل صالح می کنند: رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت .

و در آیه ۵۱ سوره مؤ منون آمده است که خداوند به رسولانش دستور می دهد از طیبات تناول کنید و عمل صالح بجا آورید ((یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا)).

و از آنجا که ایمان و اعمال صالح هرگز تداوم نمی یابد مگر اینکه حرکتی در اجتماع برای دعوت به سوی حق و شناخت و معرفت آن از یکسو، و دعوت به استقامت و صبر در طریق انجام این دعوت از سوی دیگر صورت پذیرد، به دنبال این دو اصل ، به دو اصل دیگر اشاره می فرماید که در حقیقت ضامن اجرای دو اصل اساسی ((ایمان

)) و ((عمل صالح)) است .

در اصـل سوم به مسـاءله ((تواصـى به حق)) يعنى دعوت همگـانى و عمومى به سوى حق اشـاره مى كنـد، تا همگان حق را از باطل به خوبى بشناسند و هرگز آن را فراموش نكنند در مسير زندگى از آن منحرف نگردند.

((تواصـوا)) از مـاده ((تواصـى)) همـانگونه كـه راغب در مفردات آورده به معنى آن است كه بعضـى بعض ديگر را سـفارش كنند

و ((حق)) به معنى ((واقعيت)) يا ((مطابقت با واقعيت)) است ، در كتاب ((وجوه قرآن)) دوازده معنى و مورد اسـتعمال براى اين كلمه در قرآن مجيد ذكر شده است ، مانند خدا، قرآن اسلام ، توحيد، عدل ، صدق ، آشكار بودن ،

واجب بودن و مانند اينها، ولى همه آنها به ريشه اى كه در بالا گفتيم باز مى گردد.

به هر حال جمله ((تواصوا بالحق)) معنى بسيار وسيعى دارد كه هم امر به معروف و نهى از منكر را شامل مى شود، و هم تعليم و ارشاد جاهل و تنبيه غافل و تشويق و تبليغ ايمان و عمل صالح را.

بديهى است كسانى كه يكديگر را به حق سفارش مى كنند، خود بايد طرفدار حق و عامل به آن باشند.

در اصـل چهارم مساءله شـكيبائى و ((صبر)) و اسـتقامت و سـفارش كردن يكـديگر به آن مطرح است ، چرا كه بعـد از مساءله شناخت و آگاهى ، هر كس در مسـير عمل در هر گام با موانعى روبرو است اگر استقامت و صبر نداشته باشد هرگز نمى تواند احقاق حق كند، و عمل صالحى انجام دهد و يا ايمان خود را حفظ كند.

آرى

احقاق حق ، و اجرای حق ، و ادای حق در جامعه جز با یک حرکت و تصمیم گیری عمومی و استقامت و ایستادگی در برابر موانع ممکن نیست .

صبر در اینجا نیز معنی وسیع و گسترده ای دارد که هم صبر بر اطاعت را شامل می شود، و هم صبر در برابر انگیزه های معصیت ، و هم صبر در برابر مصائب و حوادث ناگوار، و از دست دادن نیروها و سرمایه ها و ثمرات . <۸>

با توجه به آنچه در بالا ـ در مورد این اصول چهارگانه که به حق جامع ترین برنامه حیات و سعادت انسانها است گفته شد روشن می شود که چرا در روایات آمده است که وقتی اصحاب و یاران پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به یکدیگر می رسیدند پیش از آنکه از هم جدا شوند سوره و العصر را می خواندند، و محتوای بزرگ

این سوره کوچک را یادآور می شدند، سپس با یکدیگر خداحافظی کرده به سراغ کار خود می رفتند. <۹>

و به راستی اگر مسلمانان امروز همین اصول چهارگانه را در زندگی فردی و اجتماعی خود اجرا کنند مشکلات و نابسامانیهای آنها حل می شود، عقب ماندگیها جبران می گردد، و ضعفها و شکستها به پیروزی مبدل می شود، و شر اشرار جهان از آنها قطع می گردد.

خداوندا! صبر و استقامت و توفیق تواصی به حق و صبر را به ما مرحمت کن .

پروردگارا! همه ما در خسرانیم ، و جبران این خسران جز با لطف تو میسر نیست .

بارالها! ما دوست داریم که به این دستورات چهارگانه ای که در

این سوره داده ای عامل باشیم خودت توفیق را رفیق راه ما گردان .

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در آستانه بوستان پرگل و لاله دیگری قرار داریم. پیش از هر چیز به شناسنامه اش می نگریم.

نام این سوره نام این سوره، «عصر» به معنی «روزگار» است:

روزگار پرفراز و نشیب حیات انسان،

دوران تاریخ بشر یا بخشی از آن،

زمان درخشش گرفتن اسلام و ظهور محمّد(ص)،

زمان ظهور امام مهدی، آن برزگ اصلاحگر زمین و زمان و دوران پرشکوه آن حضرت که دوران کمال و جمال و عدالت و آزادی و بشر دوستی و مردم خواهی و برابری و رفاه و آسایش و نیک بختی است و آسمانیان و زمینیان از اداره جامعه و نظام او با همه وجود اعلام خشنودی و رضایت می کنند.

به هر حال نام این سوره، «عصر» است و از نخستین آیه آن اقتباس شده است.

۲ - فرودگاه آن این سوره به باور همه مفسران و محدثان در مکه و در کنار خانه خدا بر زجاجه نورانی جان محمّد(ص) فرود آمده است.

۳ - شمار آیه های آن این سوره از سه آیه، ۱۴ واژه و ۶۸ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر آورده اند که فرمود:

من قرأها ختم الله له بالصبر و کان مع اصحاب الحق.(۲۹۰)

هر کس این سوره را بخواند، خدا مُهر شکیبایی بر قلب او می زند، و کارش به شکیبایی به پایان می رسد، و در روز رستاخیز با حق طلبان و حقگرایان خواهد بود.

و از امام صادق آورده اند که:

من قرأ «والعصر»

فی نوافله بعثه الله یوم القیامه مشرقاً وجهه ضاحکاً سنه، قریره عینه، یدخل الجنه.(۲۹۱)

هر کس این سوره را در نمازهای نافله اش بخواند، و به برنامه انسان ساز آن عمل کند، خدا او را در روز رستاخیز در حالی بر می انگیزد که صورتش فروزان، چهره اش خندان، و دیدگانش به نعمت و پاداش خدا روشن است تا وارد بهشت پرطراوت خدا گردد.

۵ - دور نمایی از محتوای آن این سوره با نام و یاد پرشکوه خدا آغاز می گردد، آن گاه این نکات ارزشمند انسانی و تربیتی و اجتماعی و سیاسی و اخلاقی را در چشم انداز اصلاح طلبان عصرها و نسل ها قرار می دهد:

سوگند به عصر؛ عصر ظهور وحی و رسالت،

روزگار نبوت،

عصر فرود قرآن،

عصر رستاخیز،

عصر دولت بشر دوست و مردم نواز مهدی(ع)

نماز عصر،

یا تاریخ بشر، که خود این سوگند در خور تعمق بسیار است زیاندیدگی و زیانکاری انسان ها، در طبیعت حیات و گذشت عمر، راه های جلوگیری از این زیان و ضرر،

اصل ایمان در زندگی انسان،

کارهای شایسته و خدا پسندانه،

حق گرایی و سفارش به حق،

و شکیبایی و سفارش به صبر و مدارا در همه فراز و نشیب های حیات فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اداری، و دیگر ابعاد حیات.

۱ - به روزگار سوگند.

۲ - که بی تردید انسان در زیانکاری است؛

۳ - مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی

توصیه نموده اند.

نگرشی بر واژه ها

عصر: این واژه در اصل به معنی «فشردن» جامه و لباس و میوه و همانند آن

برای گرفتن آب آن آمده است؛ آن گاه به این تناسب که در پایان روز، فرصت ها و کارها فشرده و کوتاه می گردد، به طرف پایان روز عصر گفته می شود. در فرهنگ عرب گاه به بامداد و شامگاه و یا روز و شب «عصران» به کار می رود. شاعر می گوید:

ولن یلبث العصران یوم و لیله

اذا طلبا ان یدرکا ما تیمما

شب و روز هرگز درنگ نخواهند کرد، آن گاه که بخواهند آنچه پر برکت است دریابند.

خسر: زیان و کم شدن سرمایه. واژه «خسران» نیز به معنی زیان و یا زیان دیدن آمده است.

تفسیر

سوگند به روزگار

سوره پیش با هشدار از تفاخر و سرگرم شدن به فزون طلبی و فخر فروشی و فراموش ساختن یاد خدا و سپاسگزاری و فرمانبرداری از او به پایان رسید، اینک در این سوره روشنگری می کند که همه انسان ها در زیان و خسرانند، مگر این که خویشتن را دریابند و به برنامه سعادت آفرین آسمان عمل کنند.

نخست می فرماید:

وَ الْعَصْرِ

به روزگار پیروزی حق و عدالت بر باطل و بیداد سوگند،

آن چه آمد ترجمه ای آزاد از آیه است و در تفسیر آن دیدگاه ها یکسان نیست!

۱ - به باور گروهی از جمله «ابن عباس» خدای فرزانه در آغاز این سوره به «روزگار» سوگند یاد می کند، چرا که در گذشت زمان و گردش چرخ روزگار و دگرگونی آن برای صاحبان بینش و خرد درس های عبرت آموز و عبرت انگیز بسیاری است و سراسر زمان و تاریخ انسان سرشار از تجربه های ارزشمند، رویدادهای تکاندهنده و ظهور و سقوطهای شگفت آور و بیدارگری است.

۲ - اما به باور «حسن» و «قتاده» منظور عصر است و

خـدا به خاطر اهمیت آن هنگام از روز به آن، سوگند یاد می کند؛ چرا که بخش پایانی روز به دلیل دگرگونی نظام زندگی و پشت کردن روز روشن و سـرشار از تلاـش و تحرک و روی آوردن شب تـار و آرام و پایـان یافتن فرمانروایی خورشـید و سـر فروبردن آن در سینه مغرب نشانه های شگفت آور و روشنی بر یکتایی پدید آورنده هستی و قدرت بی کران اوست.

قرینه درستی این دیدگاه آیه دیگری است که خدا در آن به آغازین ساعت های روز و سـر بر آوردن خورشید از افق مشرق و آغـاز فرمـانروایی آن بر گسـتره آســمان و روی آوردن روز روشــن سوگنـد یـاد می کنـد و می فرمایـد: والضـحی...(۲۹۲) به روشـنایی روز سوگنـد. بـا این بیـان قرآن به دو بخش حساس از روز که ملت ها هر دو را به خاطر طلوع و غروب تفکرانگیز و تماشایی خورشید، یا آغاز و پایان موقت فرمانروایی آن بزرگ می دارند، سوگند یاد می کند.

۳ - پاره ای آن را اشاره به عصر می دانند و می گویند خدا به نماز عصـر که نماز میانه است و مراقبت از آن را سفارش کرده است، سوگند یاد می کند.

۴ - و به باور برخی دیگر بسان «ابن کیسان» منظور شب و روز است، که عرب به آن دو «عصران» می گوید.

آن گاه در بیان پاسخ این سوگند یا چیزی که سوگند به خاطر توّجه دادن به اهمیت و ارزش آن آمده می فرماید:

إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ

که بی گمان انسان دستخوش زیان و زیانکاری است،

واژه «انسان» در آیه اسم جنس است و اشاره به همه انسان ها دارد، و منظور از زیان و زیانکاری اشاره به

طبیعت زنـدگی انسان می کنـد؛ چرا که با گذشت هر لحظه و ساعت یا هر روز از عمر، از گران بهاترین سـرمایه او کاسـته می شود. بر این اساس اگر از سـرمایه زندگی هر روز کاسته شود و یا در آن کارهای شایسته ای انجام نشود، در آن صورت، زیان و خسرانی دردناک و جبران ناپذیر دامان او را می گیرد؛ چرا که زیانی سهمگین تر از کیفر و عذابِ پایان ناپذیر نخواهد بود.

از دیدگاه «اخفش» منظور از زیان و خسران در آیه هلاکت و نابودی است.

در آیه بعد در اشاره به تنها راه نجات از این زیان بزرگ روشنگری می کند که:

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ

آری، سوگند به عصـر که انسان به راستی دستخوش زیان است، مگر آن کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند.

بـا این بیـان در این آیه سـرنوشت کسـانی که به یکتایی خـدا ایمان آورده و در زنـدگی راه شایسـته کرداری و دادگری را در پیش گرفته اند، به گونه ای دیگر رقم می خورد و از آن زیان و خسران استثنا می شوند.

در ادامه آیه می افزاید:

وَ تَواصَوْا بِالْحَقِ و نیز آنـان که یکـدیگر را به حق پـذیری و حق طلبی و رعـایت حقوق مردم و دوری جسـتن از باطل و بیـداد سفارش می کنند،

به بـاور گروهی از جمله «حسن» و «قتاده» واژه «حق» در آیه به قرآن اشاره دارد و منظور سـفارش به تلاوت و شـناخت قرآن و عمل به برنامه های آن است، امّا از دیدگاه «مقاتل» منظور از آن سفارش به ایمان و عمل شایسته و یکتاپرستی است.

و به باور برخی منظور این است که: به هنگام مرگ و در

آستانه جان دادن، به خاندان و وارثان خویش سفارش کند که جز توحیدگرا و فرمانبردار حق از دنیا نروند.

و در فراز پایانی آیه می فرماید:

وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ

و به شکیبایی توصیه می نمایند.

به باور «حسن» و «قتاده» منظور این است که برخی دیگری را به شکیبایی و مدارا در برابر دشواری ها و سختی ها در اطاعت خدا، و نیز دوری گزیدن از گناهان سفارش می کنند. آری، این گروه هستند که در زیان و زیانکاری نخواهند بود، بلکه به خاطر اطاعت، خدا و رعایت مقررات و هزینه عمر و فرصت ها در راه انجام کارهای شایسته پاداشی پرشکوه خواهند داشت، چرا که در بازار زندگی آن گاه که سرمایه هزینه گردد، امّا در برابر آن سود چند برابر آید، آن را زیان نمی گویند، بلکه سود به حساب می آورند.

از دیدگاه پاره ای منظور از زیانکاری و زیاندیدگی، گرفتار آمدن به اثر طبیعی عملکردهای زشت و ظالمانه و کیفر آن، زیاندیدگی به خاطر مرگ خاندان، و از دست دادن سرای خود در بهشت پرطروات و زیباست.

و از دیدگاه پاره ای دیگر منظور از انسان در آیه دوّم، نه همه انسان ها که فرد مشخص و معلومی است و آن عبارت از «ابوجهل» و یا «ولید» می باشد.

این سوره و آیه های کوتاه آن بزرگ ترین دلیل بر معجزه بودن قرآن در ابعاد گوناگون است؛ چرا که در این سوره در قالب واژه ها و آیاتی چند، همه مفاهیم و مقررات و فرهنگ مورد نیاز دین و دنیای فرد و جامعه مورد توجه قرار گرفته، و به همگان از نظر علم و عمل، لزوم سفارش به حق گرایی و حق شناسی و رعایت حقوق، و وجوب

سفارش به شکیبایی و مدارا و پایداری در ابعاد گوناگون زندگی، لزوم دعوت به قانون گرایی و رعایت ارزش ها و نهی از گناه و قانون شکنی برنامه ای نجات بخش ارائه شده، و تمامی خردمندان و کمال طلبان به توحید و تقوا، عدل و داد، انجام وظایف و رسالت انسانی و دوری گزیدن از ستم و گناه رهنمون گردیده اند.

پرتوی از سوره مبارکه در آیات روح پرور این سوره که تنها از سه آیه پدید آمده، درس های تفکرانگیز و سازنده و سعادت آفرینی است که به پاره ای می نگریم:

۱ - سوگندی تفکرانگیز

همه سوگندهای قرآن اندیشاننده و پراهمیت و تفکرانگیز است، امّا این سوگند که در نخستین آیه این سوره آمده، سوگندی شگفت آورتر است؛ و درست به همین دلیل مفسران در برابر آن درمانده و دیدگاه های چندگانه ای ارائه کرده اند:

سوگند به عصر یا بخش پایانی روز و برچیده شدن سلطه خورشید بر گستره آسمان و فرورفتن در سینه مغرب،

سوگند به عنصر زمان، به سراسر عمر انسان و تاریخ پرفراز و نشیب و آکنده از رویدادها و ظهور و سقوطها و پیشرفت ها و پسرفت ها و اوج ها و افول ها، که سراسر درس عبرت است و راستی در خور سوگند.

سوگند به نماز «عصر» یا نماز وسطی که به مراقبت از آن سفارش شده است.

سوگند به «عصر»، به همان مفهوم این واژه، یعنی «فشردن» که نشانگر طبیعت زندگی انسان است که از میان دشواری ها و رنجها و فشارها و تلاش ها باید خردمندانه بگذرد و به سوی پیروزی و سرفرازی پیش رود و انسان برای موفقیت باید کمر همت و بیداری بندد.

سوگند به «عصر» یا انسان های کامل،

که چکیده و عصاره فضائل و کمالات و جهان آفرینش هستند.

سوگند به عصر طلوع پیامبر،

دوران محمد(ص)،

عصر فرود قرآن،

و یا روز ظهور آن اصلاح گر راستین زمین و زمان امام مهدی و روزگار طلاـیی و سرشار از عدالت و آزادی امامت آن حضرت.

امام صادق در تفسیر این آیه فرمود: العصر، عصر خروج القائم.(۲۹۳)

منظور از واژه «عصر» در آیه، عصر قیام امام مهدی است.

۲ – طبیعت زندگی در بازار دنیا

پس از سوگند در آغاز آیه، در پاسخ این سوگند به طبیعت انسان در بازار دنیا توجه داده می شود؛ چرا که انسان در زندگی به طور طبیعی به سرمایه داری بزرگ می ماند که سرمایه ای بسیار ارزشمند و هنگفت در اختیار اوست، امّا هر لحظه بخش هایی از آن را در راه زندگی به طور طبیعی از دست می دهد، چرا که:

الف – از سویی در هر لحظه لحظه زندگی دستگاه های گوناگون جسم او استعداد طبیعی خود را سخاوتمندانه مصرف می کنند و به پایان طبیعی کار خود نزدیک می شوند.

ب – از سوی دیگر جوانی، عمر، فرصت های زندگی، سلامتی، ثروت، قدرت و دیگر نعمت های ظاهری و مادی بتدریج جای خود را به پیری، بیماری، گرفتاری، نیاز و سرانجام پایان زندگی و مرگ خالی می کنند.

ج – و از سوی سوّم سرمایه های درونی، نظیر دستگاه خرد و اندیشه، ذهن و یادگیری، عشق و هنر جویی، کمال طلبی و آرمان خواهی شور و طراوت و کارآیی خود را از دست می دهند... قرآن در این مورد می فرماید: و من نعمره ننکسه فی الخلق...(۲۹۴)

و هرکس را عمر دراز دهیم او را از نظر خلقت فروکاسته و شکننده می گردانیم؛

آیا خرد خود را به کار نمی گیرید؟

امیرمؤمنان می فرماید: نفس المرخطاه الی اجله.(۲۹۵)

نفس های هر انسانی گام های او به سوی پایان زندگی اش در این سراست.

د - فاجعه این جاست که کسی افزون بر آن سه زیان بزرگ، به زیان معنوی گرفتار آید، و ایمان و اخلاص، سلامت روان و خرد، امانت و امانتداری، وفا و صفا، راستی و درستکاری و یا سرمایه های وجودی خودرا از کف دهد و به پایمال کردن حقوق مردم و ابزار سلطه و سرکوب ساختن همه چیز، حتی مفاهیم و واژه های مقدس روی آورد.

با این بیان طبیعت زندگی این جهان، خواه و ناخواه هر لحظه برابراست با از دست دادن بخشی از سرمایه های جبران ناپذیر ظاهری و باطنی... و اگر تدبیری اندیشیده نشود، با از دست دادن همه چیز، به زیان کاری آشکار و یا به بیان قرآن به «خسران آشکار» گرفتار می آید.(۲۹۶)

امام صادق در هشدار از این خطر سهمگین است که می فرماید:

خاب الوافدون علی غیرک و خسر المتعرضون الا لک.

آنان که بار سفر به سوی غیر تو بندند و بر غیر وارد گردند نومید و سرافکنده اند، و آنان که به جز تو روی آورند زیانکارند.

و امام هادی می فرماید:

الدنیا سوق، ربح فیهاقوم و خسر آخرون.(۲۹۷)

دنیا بازاری بزرگ است که گروهی در آن سود می برند و گروهی دیگر دستخوش زیان می گردند، اینک باید اندیشید که چگونه می توان از زیان و خسران نجات یافت و برنده بود؟

۳ - تنها راه نجات و رستکاری قرآن در این سوره روشنگری می کند که تنها راه نجات از این زیان و ضرر آشکار و اوج گرفتن به سوی

نیک بختی و رستگاری مانـدگار و جاودانه این است که این سـرمایه گرانبها را نه در برابر لـذت های زودگذر ببازیم و نه در برابر جـاه و مقـام و قـدرت پوشـالی و ناپایـدار، و نه در برابر زنـدگی مـادی و عادی دنیا، بلکه در این راه و این گونه که قرآن ترسیم می کند:

۱ – در راه ایمانی آگاهانه و خالصانه و باوری ژرف به خدا و رستاخیز و زندگی بر اساس قانون مداری.

۲ – در راه انجام کارهای شایسته و عادلانه و انسانی در قلمرو فردی خانوادگی و اجتماعی.

۳ – در راه حق گرایی و حق شناسی و مبارزه در راه احیای حقوق و آزادی و کرامت و امنیت مردم.

۴ – در راه انگیزش شکیبایی و پایداری و تحمل و مدارا در راه حق و عدالت.

این برنامه چهار ماده ای تنها راه نجات از آن خسران است و بس.

بار خدایا! ما را از زیان ها و زیانکاری های زندگی به لطف خویش پناه ده و در زمره برندگان و رسـتگاران دنیا و آخرت قرار ده.

تفسیر اطیب البیان

سوره عصر ، غرض سوره :بیان تمام معارف قرآنی و مقاصد آن در کوتاهترین وجه ممکن .

(۱) (و العصر):(سوگند به عصر)

(۲) (ان الانسان لفی خسر):(که انسانها همه در خسران و زیانند)

(۳) (الاـ الـذین امنـوا و عملوا الصالحـات و تواصوا بـالحق و تواصوابـالصبر):(مگر افرادی که ایمـان آورده و اعمـال صالـح بجا آورده اند و یکدیگر را به حق ، سـفارش کرده و به صبر توصـیه نموده اند)ظاهرا مراد از عصـر، روزگار ظهور رسولخدا ص و عصر طلوع اسلام بر افق جوامع بشری و ظهور حق بر علیه باطل است ، لکن مفسران

آن را به معنای عصر و آخر روز، یانماز عصر یا شب و روز و یا عصرظهور حضرت مهدی (عج) (دانسته اند.به هر جهت می فرمایـد: سوگنـد بـه عصر که همانـا نـوع انسـان در خسـارت است ، و اینکه خسـران نکره آورده شـده برای دلالـت بر عظمت خسارت و یا نوع خاصـی از خسارت است که همان خسارت در نفس و اهل می باشـد، همچنانکه فرمود:(ان الخاسـرین الـذین خسـروا انفسـهم و اهلیهم یوم القیـامه (۵۷) بـدرستی زیانکـاران در روز قیـامت کسـانی هسـتندکه در ذات خود و اهـل بیتشـان خسارت دیده اند).و خسارت عبارتست از ضـرر کردن در اصل سرمایه و مسلما انسانی که سرمایه عمر ونفس خود را از دست داده و کمالی بدست نیاورده و عمل صالحی انجام نداده ، درخسارتی جبران نشدنی و عظیم قرار دارد.آنگاه در مقام استثناء از فراز قبلی می فرمایـد: نوع انسـان در خسارت است ، مگرافرادی که متصف به ایمان و عمل صالـح بوده و یکـدیگر را به حق و صبر سفارش می کنند که اینچنین افرادی از خسارت ایمن هستند، لذا اعتقاد حق و عمل صالح ملاک سعادت اخروی است ، و هر کس کفر بورزد، ضـررش متوجه خود اوست ، چون خود رااز خیر و سـعادت محروم کرده و در تجـارت نفس و مـال خود زیان دیده است .از ظاهر عبارت که اسـتفاده می شود که ایمان ، شامل ایمان به خدا و همه رسولان و نیزایمان به روز جزاسـت و مراد از (عملوا الصالحات) این است که آنان به همه اعمال صالح متصف هستند، پس این استثناء شامل فاسقان امت که فقط بعضی

از صالحات راانجام می دهند، ولی نسبت به بعضی دیگر فسق می ورزند، نمی شود، لذا منظور ازخسران اعم از خسران کامل و یا خسران نسبی است ، یعنی کفار و معاندان همیشه مخلددر عذابند و در خسران مطلق هستند، اما فاسقان از بعضی جهات خاسرند و پس از چندصباحی که در آتش عذاب دیدند، عذابشان پایان می پذیرد و مشمول شفاعت و نظایرآن می شوند.و (تواصی)به معنای سفارش کردن است و سفارش به حق ، یعنی اینکه این افرادیکدیگر را به پیروی از حق و استقامت و مداومت در راه آن سفارش می کنند، لذاتواصی به حق عنوانی وسیعتر از امر به معروف است ، چون شامل اعتقادات و ترغیب برعمل صالح می باشد.و تواصی به صبر اعم است از سفارش به صبر در طاعت و صبر از معصیت و صبر دربرابر ناملایماتی که بواسطه قضای الهی پیش می آید، و ذکر این دومورد پس از مطلق اعمال صالح ، از باب ذکر خاص بعد از عام است که عنایت ویژه به مورد خاص را افاده می کند، بنابراین زندگی و حیات ، سرمایه انسان است که بوسیله آن اسباب تنعم و عیش خود در زندگی آخرت را فراهم می کند، پس اگر در عقیده و عمل از حق پیروی کند، به تحقیق در این تجارت سود کرده و از شر ایمن شده ، اما اگر از باطل پیروی کند، درتجارت نفس خود ضرر دیده و خود را از خیر محروم نموده و عاقبت خود را تباه کرده ، بنابراین شخص صابر، رستگار است و مؤمنین حقیقی از جهت اهتمامی که به گسترش

دین خدا و ظهور سلطنت حق دارند، می خواهند در همه جا حق پیروی شود ودوام و ثبوت یابد.

تفسیر نور

در صدر اسلام، مسلمانان هنگام خدا حافظی و جدا شدن از یکدیگر این سوره را تلاوت می کردند.<۱۰۲۴>

خداوند در قرآن، به همه مقاطع زمانی سوگند یاد کرده است. فجر: <<والفجر>><۱۰۲۵>، صبح: <<و الصبح>><۱۰۲۶>، روز: <<و النهار>><۱۰۲۷>، شب: <<و اللیل>><۱۰۲۸>، چاشت: <<و الضُحی ><۱۰۲۹>، سحر: <<واللیل اذ ادبر>><۱۰۳۰> عصر: <<و العصر >>گر چه به سحر چ

بار سوگند یاد کرده است.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که منظور، عصر خروج حضرت مهدی علیه السلام است.<۱۰۳۱>

بعضی مراد از عصر را عصر ظهور اسلام گرفته اند. بعضی عصر را به معنای لغوی آن یعنی فشار گرفته اند، زیرا که فشارها سبب غفلت زدائی و تلاش و ابتکار انسان هاست. بعضی مراد از عصر را عصاره هستی یعنی انسان کامل گرفته اند و بعضی آن را هنگام نماز عصر دانسته اند.

<۱۰۳۲

خسارت در مال قابل جبران است، امّا خسارت در انسانیّت، بالاترین خسارتهاست. <<ان الخاسرین الّذین خسروا انفسهم>><۱۰۳۳>

سفارش دیگران به حق، ممکن است عوارض تلخی داشته باشد که باید با صبر و استقامت به استقبال آن رفت. <<تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر>>

فخر رازی می گوید: انسان در دنیا مانند یخ فروشی است که هر لحظه سرمایه اش آب می شود و باید هرچه زودتر آن را بفروشد و گرنه خسارت کرده است.<۱۰۳۴>

با اینکه سفارش به حق و صبر جزء اعمال صالح است ولی به خاطر اهمیّت جداگانه بیان شده اند. همانگونه که صبر و استقامت نیز حق است و <<تواصوا بالحقّ>> شامل آن می شود ولی به خاطر اهمیّت صبر جداگانه آمده است. <<تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر>>

قرآن در آیه ای دیگر

فضـل و رحمـت الهی را عامـل دوری از خسـارت شـمرده و می فرمایـد: <<فلـو لاـ فضـل اللّـه علیکـم و رحمتـه لکنتـم من الخاسرین>><۱۰۳۵> بنابراین ایمان و عمل صالـح و تواصـی به حق، در سایه فضل و رحمت الهی حاصل می شود و انسان بدون لطف خداوند، نه هدایت م

شود که به ایمان برسد و نه اهل عمل صالح می گردد.

بازار دنیا

نگاه اجمالی به آیات قرآن ما را به این نکته اساسـی می رساند که دنیا بازار است و تمام مردم عمر و توان و اسـتعداد خودشان را در آن عرضه می کننـد و فروش جنس در این بـازار اجباری است. حضـرت علی علیه السـلام می فرمایـد: «نفس المرء خطاه الی اجله»<۱۰۳۶> یعنی نفس ک

دن انسان گامی به سوی مرگ است. پس انسان الزاماً سرمایه عمر را هر لحظه از دست می دهد و ما نمی توانیم از رفتن عمر و توان خود جلوگیری کنیم. بخواهیم یـا نخواهیم توان و زمـان مـا از دست مـا می رود. لـذا در این بازار آنچه مهم است انتخاب مشتری است. افرادی با خدا

له می کننـد و هر چه دارند در طبق اخلاص گذاشـته و در راه او و برای رضای او گام بر می دارند این افراد، عمر فانی را باقی کرده و دنیا را با بهشت و رضوان الهی معامله می کنند. این دسته برندگان واقعی هستند، زیرا اولاً خریدار آنها خداوندی است که تمام هستی از ا

ثانیاً اجناس ناچیز را هم می خرد. <<فمن یعمل مثقال ذرّه خیراً یره>><۱۰۳۷>

ثالثاً گران می خرد و بهای او بهشت ابدی است. <<خالدین فیها>><۱۰۳۸>

رابعاً اگر به دنبال انجام کار خوب وبـدیم امّا موفق به عمل نشـدیم باز هم پاداش می دهـد. <<لیس للانسان الا ما سـعی>><۱۰۳۹>

یعنی اگر کسی سعی کرد گرچه عملی صورت نگرفت کامیاب می شود.

خامساً پاداش را چند برابر می دهد. <<اضعافاً مضاعفه>><۱۰۴۰> به قول قرآن تا هفتصد برابر پاداش می دهد و پاداش انفاق های نیک مثل دانه ای است که هفت خوشه از آن بروید و در هر خوشه صد دانه باشد.

اما کسانی که در این بازار، عمر خود را به هوسهای خود یا دیگران بفروشند و به فکر رضای خداوند نباشند، خسارتی سنگین کرده اند که قرآن چنین تعبیراتی در مورد آنها دارد:

تجارت بد انجام داده اند. <<بئسما اشتروا به انفسهم>><۱۰۴۱>

تجارتشان سود ندارد. <<فما ربحت تجارتهم>><۱۰۴۲>

زیان کردند. <<خسروا انفسهم>><۱۰۴۳>

زیان آشکار کردند. <<خسراناً مبیناً>><۱۰۴۴>

در زیان غرق شدند. <<لفی خسر>><۱۰۴۵>

در دید این گروه، زرنگ و زیرک کسی است که بتواند با هر کار و کلام و شیوه ای، خواه حق و خواه باطل، زندگی مرفهی برای خود درست کند و در جامعه شهرت و محبوبیّتی یا مقام و مدالی کسب کند و در غیر این صورت به او لقب باخته، عقب افتاده و بدبخت می دهند.

امّا در فرهنگ اسلامی، زیرک کسی است که از نفس خود حساب بکشد و آن را رها نکند، برای زندگی ابدی کار کند و هر روزش بهتر از دیروزش باشد. از مرگ غافل نباشد و به جای هرزگی و حرص و ستم به سراغ تقوی و قناعت و عدالت برود.

امام هادی علیه السلام فرمودند: «الدّنیا سوق ربح قوم و خسر آخرون» دنیا بازاری است که گروهی سود بردند و گروهی زیانکار شدند.<۱۰۴۶>

۱- دوران تاریخ بشر، ارزش دارد و خداوند به آن سوگند یاد کرده است. پس از عبرت های آن پند بگیریم. <<والعصر>>

۲- انسان از هر سو در خسارت است. <<لفی خسر>>

۳- انسانِ

مطلق که در مدار تربیت انبیا نباشد، در حال خسارت است. <<ان الانسان لفی خسر>>

۴- تنها راه جلوگیری از خسارت، ایمان و عمل است. <<امنوا و عملوا الصالحات>>

۵ - به فکر خود بودن کافی نیست. مؤمن در فکر رشد و تعالی دیگران است. <<تواصوا بالحقّ>>

۶- سفارش به صبر به همان اندازه لازم است که سفارش به حق. <<بالحقّ - بالصبر>>

۷- ایمان بر عمل مقدم است، چنانکه خودسازی بر جامعه سازی مقدم است. <<آمنوا و عملوا... و تواصوا>>

۸ - بدون ایمان و عمل و سفارش دیگران به حق و صبر، خسارت انسان بسیار بزرگ است. <<لفی خسر>> (نکره بودن «خُسر» و تنوین آن نشانه عظمت خسارت است.)

۹- اقامه ی حق به استقامت نیاز دارد. <<تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر>>

۱۰- جامعه زمانی اصلاح می شود که همه مردم در امر به معروف و نهی از منکر مشارکت داشته باشند. هم پند دهند و هم پند بپذیرند. <<تواصوا بالحقّ >>(کلمه «تواصوا» برای کار طرفینی است)

۱۱- نجات از خسارت زمانی است که انسان در صدد انجام تمام کارهای نیک باشد گرچه موفق به انجام آنها نشود. <<عملوا الصالحات>> (کلمه «الصالحات» به صورت جمع محلّی به الف و لام آمده است)

۱۲- ایمان باید جامع باشد نه جزئی. ایمان به همه اجزا دین، نه فقط برخی از آن. <<الاّ الّذین آمنوا>> (ایمان، مطلق آمده است تا شامل تمام مقدسات شود.)

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

.Asr means age which implies continuity of time

According to some commentators it is a reference to the period in which the Holy Prophet was sent into this world to preach the religion of Allah, Islam, so that ,mankind, in all ages

come out from the darkness of ignorance into the light of divine guidance and reach .higher realms of spiritual bliss

.(Some say that it refers to afternoon prayers (salatul asr

:Imam Jafar bin Muhammad as Sadiq said

It refers to the age when the living Imam of the Ahl ul Bayt, Muhammad bin Hasan al" Mahdi al Qa-im, will be commissioned by Allah to administer the society of all human ".beings under the law of Allah prescribed in the religion of Islam

Whether it refers to the time of the Holy Prophet or his true successor who will act according to the teachings and laws he brought from Allah to guide mankind, those who follow them will achieve success in the life of hereafter, and those who reject .them will be the losers

:Aqa Mahdi Puya says

Asr literally means to wring out or press out implying squeezing or a squeezed object. It has been used figuratively for time in the sense of unfolding of the future by .squeezing the past. The following two verses justify this interpretation

The state of squeezing and unfolding in relation to the events taking place in "time" represents imperative proviso of the Imam as a microcosm and a medium between the finite and the infinite, therefore the Imam has been termed by the Ahl ul Bayt as .mardar al dahr (axis of the age), the actuating force behind every activity

If man does not believe in the oneness of Allah and accept the Holy Prophet and his Ahl ul Bayt as their mawla to give them on

the right path shown by the religion of Allah, Islam, certainly he is in loss. If he is deprived of the pleasure of Allah on account of his rejection of that which has been .stated above, he shall not obtain salvation which is the real loss

Those who believe" refers to every believer, but his or her status as believer is" restricted to the degree of conviction of faith and submission to the will of Allah. Baqarah: ١٧٧; An-am: ١۶٣; Bara-at: ٢٠ and ٢۶ refer to the believers who manifest highest degree of conviction and submission whose possessions and lives Allah has purchased in exchange of His pleasure according to verse ١١١ of Bara-at and Baqarah: ٢٠٧; and they are those who declare that the Holy Prophet has a greater claim over them than they have on their own selves as per verse ۶ of Ahzab and whom Allah has thoroughly purified (Ahzab: ٣٣). According to Minhajus Sadiqin the Holy Prophet referred to his Ahl ul Bayt as those mentioned in this verse. Refer to the commentary .of Baqarah: ٢; Ali Imran: ٧ and ١٠١ to ١١۵; Yunus: ٣۵; Rad: ٧; Maryam: ۴١ to ۵٠; Fatir: ٣٢

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹